

سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا  
نور فاطمہ زہرا



کتاب خانہ دیجیٹل  
www.noorfatemah.org

# پیامبر اسلام و معجزه ماندگار



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پیامبر اسلام و معجزه ماندگار

نویسنده:

محمدباقر شریعتی سبزواری

ناشر چاپی:

محمدباقر شریعتی سبزواری

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

|    |                                 |
|----|---------------------------------|
| ۵  | فهرست                           |
| ۶  | پیامبر اسلام و معجزه ماندگار    |
| ۶  | مشخصات کتاب                     |
| ۶  | مقدمه                           |
| ۶  | تاریخ و محیط زندگی پیامبر اسلام |
| ۷  | اوضاع جهان پیش از ظهور اسلام    |
| ۹  | قرآن، کتاب اندیشه و عمل         |
| ۱۰ | اعجاز ماندگار اسلام             |
| ۱۱ | ویژگی ها و برتری های قرآن       |
| ۱۲ | فرآیند شناخت قرآن               |
| ۱۲ | چگونه قرآن را بشناسیم؟          |
| ۱۳ | وجوه اعجاز قرآن                 |
| ۱۳ | اشاره                           |
| ۱۳ | فصاحت و بلاغت                   |
| ۱۴ | دین خاتم معجزه جاوید می طلبد    |
| ۱۴ | ثبات قالب ها                    |
| ۱۴ | ماجرای هموردی در عصر امام صادق  |
| ۱۵ | ضرورت معرفت قرآن                |
| ۱۶ | آیا قرآن شناختنی است؟           |
| ۱۷ | پاورقی                          |

## پیامبر اسلام و معجزه ماندگار

## مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدید آور: شریعتی سبزواری، محمدباقر

عنوان و شرح مسئولیت: پیامبر اسلام و معجزه ماندگار [منبع الکترونیکی] / محمدباقر شریعتی سبزواری  
توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱۵ بایگانی: ۷۶.۳KB)

موضوع: قرآن

محمد (ص)، پیامبر اسلام

## مقدمه

در مباحث پیشین، ضرورت بعثت پیامبران و لزوم داشتن معجزه و ارائه آن به مخاطبان تبیین گردید. در این شماره راجع به رسالت جهانی و اعجاز پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) مطالبی می نگاریم تا به اصطلاح متکلمان، نبوت خاصه یعنی نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را مورد بحث قرار داده باشیم. به ویژه این که عموم مسلمانان معتقدند آن حضرت آخرین سفیر الهی برای جوامع بشری می باشد. وانگهی در عصر ما، تنها آیینی که در محافل مختلف مادی و مذهبی به چالش کشیده می شود و در برابر لامذهبی و مکاتب الحادی می ایستد، آیین اسلام است و بس؛ اما ادیان دیگر بر اثر تحریف رنگ شخصی به خود گرفته اند و از مسائل سیاسی و اجتماعی دور افتاده اند و گویا نظریه سکولاریست ها را پذیرفته اند که می گوید: دین، یک مسئله شخصی است و شیوه حکومت از تجربیات بشری می باشد. در مکتب سکولار، جدایی دین از حکومت یک اصل مسلم تلقی گردیده است. از جانب دیگر فلسفه وجودی ادیان زیر سؤال رفته است. به همین دلیل است که اگر اسلام به شیوه صحیح تبلیغ و تبیین شود، دنیا را به خود متوجه ساخته، اصالت و صحت سایر مذاهب معروف را (در عصر خودشان) نیز قابل دفاع خواهد نمود. مضاف بر این که اصل وجود پیامبرانی همچون آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی و سایر انبیا روشن شده و از هاله ابهام و شبهات در امان خواهد بود و در نتیجه حتمیت و قطعیت پیدا می کند، چرا که قرآن، سنت و تاریخ اسلام، با نام و نشان از پیامبران و کتاب های آنان یاد کرده و صحت و اصالت دینشان را تأیید نموده است. شایسته است تحصیل کردگان، نخبگان و فرهیختگان جوامع جهانی و اسلامی آنچه را که در باره شخصیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، محیط رسالت، اعجاز قرآن و موضوعات گوناگونی از این دست مطرح گردیده، به دقت مطالعه کرده و راجع به آن تحقیق نمایند تا به حقیقت دست یازند. امروزه پرسش های زیادی راجع به آن حضرت و دین اسلام وجود دارد که باید پاسخ دقیق داده شود؛ از جمله: آیا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) یک شخصیت الهی بوده یا یک انسان نابغه که در پرتو آن توانسته انقلابی به وجود آورد؟- آیا گفتار پیامبر از وحی نشأت گرفته است یا از قوه خیال و حدس و گمان، مایه می گیرد؟- چه نوع معجزاتی داشته است و هم اکنون معجزه اش چیست؟- آیا قرآن، زاده اندیشه بشری است یا کلام خدای سبحان و معجزه الهی می باشد؟- وجوه اعجاز قرآن چیست؟- آیا قرآن پس از گذشت چندین قرن می تواند برای بشر امروز حجت سازنده و محور معرفت به حساب آید و با تمدن بشری همراه باشد؟- چگونه قرآن، بر خلاف سایر کتاب های آسمانی، از گزند تحریف و نسخ و تغییر در امان مانده است؟

## تاریخ و محیط زندگی پیامبر اسلام

مستشرقان و مورخان تردید ندارند که حضرت محمد بن عبد الله (صلی الله علیه و آله) در میان منقط ترین ملت ها و بدترین محیط های اجتماعی و جغرافیایی پای به عرصه هستی نهاده است. با این که در اوان کودکی پدر و مادرش را از دست داده بود، اما تحت تأثیر محیط اجتماعی و فرهنگی آن زمان قرار نگرفت؛ بلکه خود به وجود آورنده فرهنگی تازه شد و در مقام عمل نیز چنان امانت، صداقت، مردانگی و پاکی از خود نشان داد که در میان مردم شبه جزیره به (محمد امین) شهرت یافت. زبهر هر پیامبر آیتی بود که او را در زمان خویش بنمود و لیکن آن ظهور حی سبحان به نفس خویشتن می بود برهانزندگی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) برخلاف سایر پیامبران، کاملاً روشن و شفاف است و تاریخ به تمام جزئیات این ظهور اعظم پرداخته است؛ همچون عیسی و موسی نیست که بعضی از مورخان در اصل وجود آنان تردید کرده باشند و مانند رستم و اسفندیار نیست که وی را افسانه به شمار آورند. (ویل دورانت) می نویسد: (با آن که از جوانی محمد (صلی الله علیه و آله) اطلاعات زیادی نداریم، ولی تنها داستان هایی که در باره او روایت می کنند به ده هزار مجلد می رسد). [۱]. (جان دیون پورت) در کتاب عذر و تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن می نویسد: (این نکته مسلم و محقق است که در میان همه مقننین و فاتحان معروف جهان، تاریخ زندگانی هیچ یک از آنان مشروح تر و معتبرتر از تاریخ زندگی محمد (صلی الله علیه و آله) نوشته نشده است). [۲]. اما در باره وجود عیسی و موسی<sup>۸</sup> تردید کرده اند. به قول ویل دورانت: (آیا عیسی وجود داشته است؟ آیا تاریخ بنیادگذار مسیحیت، حاصل غم و اندوه و تخیل و امید مردم افسانه ای مانند افسانه کریشنا، اورزیس آتیس و... بوده است؟) سپس چندین صفحه قلم فرسایی کرده، عقاید مخالفان و موافقان افسانه بودن وجود عیسی را بازگو ساخته، آن گاه در باره تولد عیسی به نقل اناجیل چهارگانه ایجاد شبهه کرده که چگونه حضرت عیسی از دوشیزه بدون پدر به وجود آمده است. [۳] لیکن در باره وجود حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) هیچ کدام از متفکران تردیدی نکرده اند، بلکه ویژگی ها، چهره و اندام آن حضرت را نیز به صورت شعر و نثر به تصویر کشیده اند. (نهری) در باره قیافه حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می نویسد: (به تعبیر زیبای کشیش های ژرژونیت، همچون دریا در پرتو خورشید بود). [۴] اینان حتی امی بودن پیامبر اسلام را نیز پذیرفته اند که مکتب نرفته مسئله آموز صدها مدرس شده است. (کارلایل) اعتراف می کند که: (محمد نزد کسی از استادان بشری درسی نخوانده و خطی ننوشت و صنعت خط هم در آن زمان تازه پیدا شده بود. هر چه از اسرار عالم و علم الهی بر وی مکشوف شده، به واسطه روح قدسی بوده است که از عالم مجهول، انوار آن به قلب او تابش کرده است. محمد از تلقی درس بی نیاز بوده است، زیرا اسرار جهان بر وی کاملاً مشهود و عیان بود و از کسی اقتباس فکری نکرده است). [۵]. نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسئله آموز صد مدرس شدن نهری، رهبر فقید هند، از یک دانشمند انگلیسی چنین بازگو می کند: (زمان ظهور حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) عربستان در تاریکی فرو رفته بود. مردم خدایان بی شماری داشتند. بت پرستی در اعماق روح آنان رسوخ کرده بود. کعبه، مقدس ترین جای مکه، از بت ها پر بود. زن ها در اجتماع پست ترین موقعیت را دارا بودند. زن نه تنها از داشتن ثروت محروم بود، بلکه خود قسمتی از میراث و دارایی محسوب می شد. میگساری در داخل و خارج مکه رواج داشت. قماربازی وسیله سرگرمی پیر و جوان محسوب می شد. کینه توزی های خانوادگی دستور روز بود. این مصلح بزرگ در چنین اجتماع، انقلابی به وجود آورد که در تاریخ بشریت با هیچ نهضت و تحول دیگری قابل مقایسه نیست).

### اوضاع جهان پیش از ظهور اسلام

عظمت و شخصیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را می توان از فرهنگ منقط حاکم بر جهان و محیط زندگی او به دست آورد. اگر تاریخ پیش از ظهور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را مطالعه کنیم خواهیم دید که قرن ششم، قرن تباهی ها و سیاهی هاست؛ هفتصد سال از عصر عیسی بن مریم سپری شده است و در این فترت و فاصله ممتد، چراغ تربیت پیامبران خاموش شده است. به فرموده امام علی (علیه السلام): (او را هنگامی فرستاد که فاصله ممتدی میان پیامبران و ظهور حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می

آله) ایجاد شده بود و امت ها در خواب عمیق غفلت قرار داشتند، رشته حیات و زندگی گسسته بود و بنای استوار دین شکسته. اسب فتنه در جولان، آتش جنگ ها فروزان و جهان تیره و سیاه بود، دنیا با زرق و برقش همه را فریفته و مفتون ساخته، درختان باغ زندگی افسرده و برگ و بار آن زرد و پژمرده شده بود و جهان به صورت پاییزی غم انگیز در آمده، همگان از سایه و میوه آن مأیوس بودند. آب هایش در دل زمین فرو رفته بود، نشانه های رستگاری به کلی ناپدید بود، ولی علامت های گمراهی همه جا ظاهر و هویدا می نمود. دنیا به طالبان خود، روی خوشی نشان نمی داد و با دنیا طلبان چهره عبوسی داشت. بارش، محنت و آزار و خوردنی آن، مردار، از درونش ترس و بر برونش شمشیر مرگبار حاکم بود. [۶]. شواهد و نمونه های بسیاری در تاریخ موجود است که می تواند تصویری از دنیای آن روز را به نسل امروز نشان دهد که در این قسمت به یک نمونه بسنده می شود. نهر و می نویسد: (یکی از امپراتوران رم در دنیای عظیم کولوسئوم در شهر رم که میدان نمایش های بزرگ بود، اغلب در حدود ۱۲۰۰ گلا دیاتور را یک باره به روی سیرک می آورد و آنها مجبور بودند که برای تفریح امپراتور و اطرافیانش یکدیگر را بکشند و تا نفر آخر بمیرند). [۷]. به قدری ظلم و فساد جهان را فرا گرفته بود که همه به جان آمده و میان بیم و امید سرگردان شده بودند. به قول نهر و: (یک موج فکری در سراسر جهان به حرکت آمده بود. یک موج عدم رضایت از اوضاع و احوال موجود و امید و آرزو برای به وجود آمدن یک وضع بهتر و رضایت بخش تر در همه جا مشهود بود). [۸]. ایران نیز گرفتار حکومت ظالمانه انوشیروان قاتل و بیدادگر بود. [۹] آری، پیوسته از میان جهل و غوایت و ظلم و جهالت، مجسمه عدالت و کانون فضیلت بیرون می آید. زمستان، بهار را در پی دارد، خشک سالی، باران را و تاریکی شب، روشنایی روز را نوید می دهد. در ناامیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید استنظامی گنجوی تاریخ آن ایام را این گونه به نظم کشیده است: نشد اندر آن مدت دیر باز به تاج رسالت سری سرفراز به محراب طاعت قدی خم نشد کسی در عبادت مصمم نشد نژد کس به راه شریعت قدم نشد چشم کس تر ز اشک ند مچنین بود اوضاع عالم خراب که ناگه بر آمد برون آفتاباز شوره زار جزیره العرب، سنبلی پدیدار گردید و از ظلمات و ابرهای سیاه جهل و نادانی، گریبان صبح انسانیت شکافته شد و آفتاب عالمتاب نیر اعظم و تنها مفخر بنی آدم، طلوع نمود. به قول دکتر رسا، ملک الشعراء خراسان: از مکه پیدا شد گلی در شوره زاری سنبلی آمد خوش الحان بلبل کرد آشیان زاغ و زغندر تیمی در عرب از آمنة بنت وهب تا بد از او در روز و شب نور خدای ذوالمننح بر ضلالت چیره شد روشن فضای تیره شد چشم کواکب خیره شد بر آن مه پرتو فکنا یوان کسرا کاخ کی لرزید ارکانش ز پیشد در شب میلاد وی دریای رحمت موج زندق با تمام وجود جلوه کرد و باطل با همه زرق و برقش از میان رفت، که: (انّ الباطل کان زهوقاً؛ [۱۰] به تحقیق باطل رفتنی است)، ولی با قدرت و ضربه حق، اما نه بدون دلیل. قرآن می فرماید: (بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ؛ [۱۱] ما به وسیله قدرت حق بر باطل می زنیم تا آن را در هم کوبد و باطل نابود شونده است). رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) چنان تحولی عظیم و شگرف ایجاد کرد که متفکران غرب و شرق بر آن اعتراف دارند. یکی از دانشمندان اروپا می گوید: (اگر من در قرن بیستم در مقابل پیشوایان دانش اروپا با صدای بلند بگویم که روح حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بزرگ ترین روحی است در میان بشر که از بدو پیدایش وی تا امروز پیدا نشده است، کسی نمی تواند در صحت گفتار من تردید کند و اگر کسی در این سخن تردید نماید، می گویم در جهان فردی را نشان دهید که به تنهایی در یکی از این امور موفق شده باشد: ۱- ملتی را مانند جامعه عرب که به قبایل متعدد، منقسم و دشمن یکدیگر باشند، متحد کند؛ ۲- رذایل موروثی ملت را نابود ساخته و آنان را به فضایل بیاراید؛ ۳- عقاید باطل و خرافی را از میان ملتی بردارد و آنان را به مذهبی معتقد کند که تا امروز در عالم توسعه و انتشار روز افزون داشته و در آینده انتظار آن هست که بر همه ادیان جهان غالب آید؛ ۴- قانونی برای زندگی و نجات بشر بیاورد که ملت دور افتاده عرب را در سایه آن قانون بر دنیا سیادت دهد). [۱۲]. اکنون که ابعاد شخصیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از زبان متفکران روشن شد، جای پاسخ گویی به این پرسش مهم است که چگونه پیامبر امی و درس نخوانده توانست در آن عصر، تحول و انقلاب عظیمی در دنیا ایجاد کند؟ چگونه

توانست با کتابی که از ناحیه خدا آورده شده مردم جزیره العرب را که فاقد همه گونه مزایای زندگی بودند و بویی از تمدن به مشام آنان نرسیده بود، صاحب تمدنی درخشان و با شکوه نماید؟

## قرآن، کتاب اندیشه و عمل

قرآن کریم، تنها رسالت جهانی پیامبر اسلام و یگانه سند معتبر و ماندگار او می باشد. این کتاب آسمانی، پر فروش ترین و پر نفوذترین کتاب های دینی و غیر دینی در دنیاست که متجاوز از یک میلیارد خواننده دارد. شگفت آورتر آن که مردم از قرائت مکرر آن خسته و ملول نمی شوند. بی دلیل نیست که مسلمانان بر این باورند اگر متفکران و پایه گذاران تمدن بشری با محتوای این کتاب کریم آشنا شده و دستورات آن را به کار گیرند، به حیات واقعی و سعادت مادی و معنوی دست پیدا خواهند کرد، زیرا از مضامین آن فهمیده می شود که قرآن برای مجرد تلاوت و به منظور کسب ثواب و ذخیره سازی برای قبر و قیامت نازل نشده، بلکه برای فهم و تدبر و هدایت و آموختن راه و رسم زندگی نازل شده است؛ به عبارت دیگر قرآن، کتاب اندیشه و عمل است. در این مقال تنها به چند آیه بسنده می شود تا بر همگان روشن گردد که قرآن کتابی است عمیق و دریایی است ژرف که غواصان اندیشمند می توانند جواهراتش را استخراج نمایند. در این کان است هر گوهر که جویی تو هر دم جانب دیگر چه پویکسان بینی که از کاویدن سنگ برون آرند گوهرهای خوش رنگزدیا نیز غواصان شب و روز برون آرند دُرهای شب افروزنه قرآن کمتر است از کوه و دریا در آن صد کوه و صد دریا هویدانه سنگ است این، که مغناطیس دل هاست نه دریا، بلکه زو هر قطره دریاست ۱- (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ [۱۳] تحقیقاً قرآن انسان را به استوارترین راه های زندگی هدایت می کند.) ۲- (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؛ [۱۴] آیا در آیات قرآن تعمق نمی کنند یا بر دل هایشان مهر زده شده است؟) ۳- (وَأَنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ - نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ - عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ - بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ - وَأَنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ [۱۵]؛ تحقیقاً این کتاب فرو آمده از جانب پروردگار جهانیان است که توسط روح الامین بر قلب تو نازل گردیده است تا به زبان عربی روشن از هشدار دهندگان باشی و بی شک در کتاب های پیشین نیز مسطور و مذکور است.) انذار بودن، فرع بر قرائت آمیخته با فهم دقیق است. ۴- (وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ؛ [۱۶] این کتاب را بر تو نازل کردیم تا روشنگر هر چیزی و حقیقتی باشد و برای مسلمانان حامل هدایت، رحمت و بشارت باشد.) پس قرآن شایسته تدبر و اندیشیدن است تا انسان ها را به ماورای حقایق برساند و سعادت مادی و معنوی آنان را تأمین کند و راه و رسم زندگی پاکیزه را به آنان بیاموزد. با وجود این تأثیر شگرف، چگونه است که اندیشمندان از کنار آن بی تفاوت می گذرند؛ در صورتی که از وحشی ترین ملت ها مترقی ترین انسان ها را ساخته است. در عصر حاضر مشاهده کردیم که فرانسوی ها چه ظلم ها و ستم ها بر ملت مظلوم الجزایر روا داشتند. ژنرال سوستل ها با پسرهایشان به (شکار عرب) می رفتند و مغز مردم مسلمان را در جنگل ها هدف قرار می دادند تا بچه ها تیراندازی بیاموزند. سگ های تعلیم داده شده را در زندان به جان مجاهدان رها می کردند. اما همین ملت مظلوم وقتی از مظالم و فجایع ارتش سَری فرانسه به جان آمدند به یاری مجاهدانی که از قرآن الهام گرفته بودند، نجات پیدا کردند. آنان راه و رسم زندگی و جهاد را از کتاب و سنت نبوی آموختند و بر فرانسوی ها تاختند، چرا که قرآن به جای ذکر و اوراد زبانی، به آنها آموخت: (فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ [۱۷] پس هر کس بر شما تعدی کند، به همان اندازه بر آنها بتازید و حمله کنید و از خدا بترسید و بدانید که او با پرهیزکاران است.) ویل دورانت می نویسد: (این آیه قرآن (فَمَنْ اعْتَدَى) ... در مقایسه با انجیل که (می گوید) اگر بر نیم رخ چیت سیلی زدند نیم رخ راست را پیش آر و اگر عبایت را خواستند ردایت را نیز ببخش، روشن می کند که قرآن یک اخلاق مردانه را تعلیم می کند و انجیل، اخلاق زنانه را.) [۱۸] .. (و اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ؛ [۱۹] و شما (ای مؤمنان) در مقام جنگ خود را آماده

سازید و از آذوقه و ابزارها و اسبان سواری فراهم نمایید تا دشمنان خدا و دشمنان خودتان را بترسانید). (فان تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ؛ [۲۰] در صورتی که از عهد و پیمان اعراض کردند، آنان را بگیرید و هر جا یافتید به قتل برسانید.) ژنرال مورگان سوستل می نویسد: قرآن یک کتاب مذهبی نیست؛ کتابی است ضد مذهب که به جای دعوت به پارسایی و عبادت و صلح و عفو و اندیشیدن به خدا و مرگ و روح و اسرار متافیزیک و فلسفه حیات و سرنوشت نهایی انسان، اعراب را به جنگ و پیروزی و انتقام و سرکشی و جهانگیری و غنیمت خواهی می خواند و ... هیچ کتابی به اندازه قرآن در میان توده پست و عقب مانده، تحریک آمیز و شورشی نیست و با کلمات جادویی و موسیقی پر هیجان خود بر روی عقده ها و خصومت ها اثر نمی گذارد و انگیزه غرور و کینه جویی و الهتاب را بر نمی انگیزد ... و بی جهت نیست که گلاستون - نخست وزیر یهودی مسلکی که استعمار انگلیس را جان تازه بخشید - در مجلس عوام انگلستان قرآن را خشمگینانه بر روی تریبون کوبید و گفت: تا این کتاب در میان مسلمانان باشد، امنیت و اطاعت سرزمین های مسلمان نشین در برابر استعمار انگلیس، محال است. این دشنام ها از زبان دشمنان آگاه و آشنایی است که بیش از هر کسی تأثیر این کتاب را بر اندیشه و احساس جامعه انسانی، تجربه کرده اند. داوری آنان در زمینه نقش اجتماعی و فکری و سیاسی قرآن در بیداری و نهضت و سربلندی و رهایی جامعه ها از نظریات مفسران و دانشمندان اسلامی، عینی تر و مسلّم تر است، چرا که آنان، هم دشمن هستند و قضاوتشان از تعصب به دور است و هم مرد جامعه و سیاست می باشند و با مسائل عینی بیشتر در تماس بوده و با مفاهیم انتزاعی و خیالی بیگانه اند. از آهنگ آنان به خوبی مفهوم می شود که دشمنان اسلام از بیداری و رستاخیز عمومی مسلمانان و دشمن شکنی آنان رنج می برند. [۲۱]. (قرآن هنگامی که می خواهد گروه مترقی مسلمانان را به تصویر بکشد، این گونه می فرماید: س والذین استجابوا لِرَبِّهِمْ؛ [۲۲...]) و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند و نماز را به پا داشتند و امور اجتماعی را بر اساس مشورت سامان دادند و از آنچه ارزانی داشته ایم انفاق می کنند. و چون قربانی ستم و تجاوز قرار گرفتند، به یاری مؤمنان از آنان انتقام می گیرند، (چرا که) پاداش یک بدی و ستم به همان میزان است که انجام گرفته نه بیشتر. و باز اگر کسی دشمن را عفو کرده و میان خود و خصم اصلاح نماید، اجرش با خداست. و بر کسانی که ستمی رفته اگر انتقام بکشند، مؤاخذه ای نخواهد بود.) [۲۳]. (این بیداری و نهضت آزادی خواهی و ضد استعماری شمال آفریقا از روزی آغاز شد که محمد عبده - پیرو مکتب سید جمال الدین اسدآبادی که شعارش بازگشت همه مسلمانان به قرآن بود - به شمال آفریقا آمد و همه علمای اسلامی را گرد آورد و آنها را دعوت کرد که به جای غرق شدن در فلسفه های کهنه و علوم قدیمه و انحصار در فقه و اصول و کلام و حکمت و طرح مسائل متافیزیکی و موشکافی های افراطی و ذهنی در احکام فرعی، به سراغ قرآن بروید و از همه علوم قدیم و جدید، اسلامی و غیر اسلامی، برای فهم درست و راسته این پیام کمک بگیرید.) [۲۴]. اشتباه داوری ژنرال فرانسوی این است که قرآن را با تورات و انجیل تحریف شده مقایسه می کند، چرا که آنها به کمک تورات و انجیل تحریف شده کنونی همواره ملت ها را استثمار کرده اند و این قرآن بود که ملل زیر سلطه را نجات بخشید و الجزایر را از چنگال استعمار فرانسه آزاد ساخت. به گفته اقبال: نقش قرآن چون که در عالم نشست نقشه های پاپ و کاهن را شکستفاش گویم آنچه در دل مضمّن است این کتابی نیست چیز دیگر است چون که در جان رفت، جان دیگر شود جان چو دیگر شد، جهان دیگر شود همچو حق پنهان و هم پیداست این زنده و پاینده و گویاست ایناندر او تدبیرهای غرب و شرق قدرت اندیشه پیدا کن چو شرق

### اعجاز ماندگار اسلام

در مقاله پیشین گفتیم هر پیامبری برای اثبات نبوت خویش باید بینه و معجزه ای داشته باشد تا صداقت وی در ادعای پیامبری بر مخاطبانش روشن گردد. پیامبر اسلام نیز همچون انبیای سابق، معجزه های متنوعی مانند: شق القمر، معراج جسمانی، مباحله و غیره داشته است؛ لیکن برای اثبات آنها به جز گزارش های تاریخی، دلیلی در دست نیست و کمتر کسی را می توان یافت که معجزه را

از طریق تاریخ پذیرا باشد. به همین دلیل بسیاری از دانشمندان مسیحی و یهودی، اعجاز پیامبران پیشین را یا انکار کرده و یا توجیه علمی و تفسیری نموده اند. ولی در خصوص پیامبر اسلام، قرآن مجید، مهم ترین اعجاز زنده و به روز خاتم پیامبران است که هر چه بر پیشرفت علم و تمدن می گذرد ابعاد تازه تری از اعجازش روشن می شود و جاودانگی آن با جاودانگی پیامش تناسب پیدا می کند. این کتاب با صراحت می گوید: (اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک و تردید آمیخته با بدگمانی دارید، یک سوره همانند آن بیاورید و برای ساختن آن از تمام نیروهای وابسته استمداد نمایید. اگر چنین کاری کردید (ما مغلوب شده ایم)، ولی اگر نتوانستید - که هرگز نمی توانید - پس خود را از گزند آتشی که آتشگیره آن مردم و سنگ می باشد، حفظ کنید.) [۲۵] تا قیامت می زند قرآن ندا کای گروه جهل را گشته فداگر مرا افسانه می پنداشتید تخم کفر و کافری می کاشتید خود بدیدید ای خسان طعنه زن که شما بودید افسانه نه منمن کلام حَقِّم و قائم به ذات قوَّت جان، جان و یاقوت زکاتنور خورشیدم فتاده بر شما لیک از خورشید نا کرده جدا

## ویژگی ها و برتری های قرآن

قرآن از ۱۱۴ سوره و ۶۲۳۶ آیه و ۷۷۴۳۷ کلمه تشکیل شده است. اعجاز قرآن در مقایسه با سایر معجزات، امتیازات و برتری های خاصی دارد که برای ازدیاد بصیرت به چند مورد اشاره می کنیم: یکم - قرآن از جنس سخن و کلام است. کتابی است فصیح و بلیغ و در اوج اعجاز می باشد. سبک قرآن شعر نیست تا وزن و قافیه داشته باشد. نثر هم نیست، زیرا از نوعی آهنگ برخوردار است. هیچ نثری مانند قرآن آهنگ پذیر نمی باشد. اعجاز پیامبران دیگر هیچ کدام از نوع کلام نمی باشد. به همین دلیل موقت، زود گذر، محدود به زمان و مکان هستند و در نشان دادن صاحب خود ابهام دارند. اگر عصای موسی به مار تبدیل شد، یا بیماران غیر قابل علاج به دست عیسی شفا یافتند، یا سنگ ریزه به اشاره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به سخن در آمد، یا ماه به اشارت او شکافته شد، هیچ یک مانند سخن و کلام نمی توانند کننده را نشان بدهند، زیرا همگی از پدیده های مادی و محسوس می باشند. به قول شاعر: در سخن پنهان شدم چون بوی گل در برگ گل هر که می خواهد ببیند، در سخن بیند مرا گر چه کتاب های آسمانی سایر پیامبران همگی از ترکیب کلام و کلمه و از نوع نوشتار می باشند، لیکن به صورت اعجاز نازل نشده اند؛ بلکه در قالب مفاهیم و معانی نازل شده و پیامبران با الفاظ ساده و معمولی برای مخاطبان بیان کرده اند و کاتبان وحی نوشته اند. بدین علت است که ادبیات امروز با نوشته های تورات و انجیل و الواح و زبور آن روز قابل مقایسه نیست. چرا که بشر از نظر ادبی هم در حال ترقی و تکامل است. به همین دلیل هیچ پیامبری کتاب آسمانی خود را در معرض هموردی قرار نداده است، بلکه کارهای خارق العاده را برای اثبات آسمانی بودن کتاب های خود انجام داده اند؛ عکس قرآن که الفاظ، عبارات، مفاهیم و معانی آن، اعجاز است. دوم - قرآن یک اعجاز علمی، فرهنگی و ادبی است، ولی سایر معجزات، حسی و مادی بوده اند و با ابزارهای حسی ادراک می شده اند. دانشمندان، فرهیختگان و ادیبان، اعجاز قرآن را از بی سوادان بهتر می فهمند. سوم - قرآن هم معجزه است و هم دستور العمل زندگانی. توضیح آن که قرآن از نظر مفاهیم و قالب ها به گونه اعجاز نازل شده است. جمله بندی های جذابش، خدایی بودن محتوا را ثابت می کند. در عین این که مضامین دقیق و عمیق اعتقادات، اخلاقیات و احکام تاریخ پیشینان و پندها و پیام های علمی و انسانی آن نیز برای اندیشمندان با انصاف یک نوع اعجاز به شمار می رود، پیش گویی ها و پیش بینی های قطعی و تاریخی آن نیز از آسمانی بودنش حکایت می کند. پیش گویی شکست رومیان از ایرانیان و پیش بینی پیروزی آنان و شکست ایرانیان، غیر قابل باور بود. بنابر این قرآن از نظر شکل و محتوا برای همیشه معجزه است و به همین دلیل برای اثبات حقانیت خود تمام افراد بشر را در هر عصر و زمان به مبارزه می طلبد. اگر دنیای غرب و شرق به تحدی قرآن پاسخ درست و جدی می دادند و آیاتی مانند آن می آوردند و بر ادیبان بی طرف و بین المللی عرضه می داشتند و آنها به داوری می نشستند و آیات ساخته شده آنها را مانند آیات

قرآن اعلام می کردند، بدون شک امروز از این کتاب اثری باقی نمی ماند و متجاوز از یک میلیارد بشر روی آن تکیه نمی کردند. ولی پاسخ ندادن متفکران، ادیبان و نخبگان به این هموردی جهانی، دلیل روشنی است بر شکست مخالفان. آیا بهتر نبود به جای این همه سرمایه گذاری برای سلمان رشدی و حمایت بین المللی از نوشته آیات شیطانی او، بودجه کلانی برای پاسخ ادبی قرآن می گذاشتند، متفکران و ادیبان آشنا به زبان عربی را استخدام کرده و مانند همین آیات به اصطلاح شیطانی ساخته و عرضه می کردند و در این مصاف سرنوشت ساز از کلیه امکانات مدد می گرفتند. آنچه مسلم است آنان به جنگ کلامی و ساختن آیات مثل آن نمی آیند، چرا که رسوایی های پیشینیان را لمس کرده اند. چهارم - قرآن یک اعجاز ابدی است، ولی سایر معجزات، موقت و محدود به زمان و مکان و قوم خاصی هستند. عصای موسی، ید بیضا، درمان بیماران غیر قابل علاج و یا مرده زنده کردن عیسی مخصوص زمان و قوم خاصی است و امروزه از آن نوع معجزه ها خبری نیست؛ لیکن قرآن یک کتاب همیشه زنده است و اختصاص به زمان و ملت خاصی ندارد. امام باقر (علیه السلام) فرمود: (إِنَّ الْقُرْآنَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ حَيَّةٌ لَا تَمُوتُ؛ تحقیقاً قرآن کتاب زنده ایست که نمی میرد و هر آیه ای از آیات آن نیز به نوبه خود زنده است و نمی میرد)، زیرا اگر آیه ای مخصوص قومی بود، هنگامی که آنان می مردند، آیه نیز بایستی می مرد؛ لیکن قرآن همچون خورشیدی درخشان است که بر تمام اقوام و ملت های دیروز و امروز تابیده و آنان را روشنایی می بخشد.

### فرآیند شناخت قرآن

برای این که اعجاز قرآن و برتری های آن بر سایر کتاب های آسمانی و بشری بهتر روشن شود، به مقدمه ای نیازمند است. برای شناخت هر کتابی باید مراحل مختلفی را طی کرد تا انسان آگاهی و معرفت لازم را در مورد آن کسب کند. بعضی از این مراحل عبارت اند از: ۱- برای معرفت یک کتاب ارزشمند، در اولین مرحله، انتخاب بهترین نسخه ضرورت دارد؛ به ویژه اگر آن کتاب به خط مؤلف و یا به تصحیح و مقابله وی انجام شده باشد، در این صورت انتساب کتاب مذکور به نویسنده اش قطعی خواهد بود. ۲- پس از این مرحله، شناخت محتوایی و هدف نویسنده از نوشتارش در نوبت بعدی قرار دارد. ۳- مرحله سوم، شناخت مصادر و منابع آن کتاب است؛ بدین معنا که نویسنده مطالب را از کجا گرفته است؟ آیا از ابداعات و ابتکارات خود اوست یا از منابع مختلفی برای رسیدن به هدفی گردآوری کرده است؟ وانگهی آیا این کتاب از منبع وحی سرچشمه گرفته است یا مخلوق فکر و ذهن نویسنده می باشد. ۴- مرحله دیگر، مقایسه این کتاب با نظایر آن و ارزیابی شکلی و محتوایی است که معرفت انسان را نسبت به کتاب بیشتر می کند. روشن است که معرفت نوع اول در باره قرآن مطرح نیست، زیرا تمام نسخه های قرآن یک سان و همانند می باشد و تا به حال میلیون ها شماره از این نسخه های یک سان چاپ و منتشر شده است. از جانب دیگر به یمن محتوا و مضامین عالی قرآن، توجه جهانی به آن جلب شده است و همه مردم دنیا تشنه معرفت این کتاب می باشند. به قول جیمی شیم، رئیس دفتر مطبوعات کوزوو، در اجلاس نقش رسانه ها و سیاست خارجی کشورها که در برلین برگزار گردید: (مردم آمریکا تشنه دریافت اطلاعات جهانی درباره دین به ویژه پیرامون اسلام و مسلمانان هستند). [۲۶] وی می افزاید: (قرآن پر فروش ترین کتاب در آمریکاست و این بیش از هر چیز، نشانگر نیاز مردم آمریکا به افزایش اطلاعات عمومی از جهان اطراف خود است). [۲۷].

### چگونه قرآن را بشناسیم؟

برای شناخت خصوصی قرآن، دانستن چند مسئله ضروری است: الف) آشنایی به زبان و ادبیات عرب در سطح متوسط؛ ب) شناخت تاریخ اسلام و شأن نزول آیات؛ ج) آشنایی با مجموع آیات قرآن از باب این که برخی از آنها مفسر آیات دیگرند؛ د) آشنایی با روایاتی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در زمینه تفسیر قرآن بیان کرده است، چرا که تعلیم کتاب یکی از وظایف رسول اسلام

و جانشینان راستین او می باشد. بدین نکته باید توجه کرد که قرآن کریم گرچه زبانی مخصوص و اصطلاحات خاص علوم فلسفه، منطق، تصوف و عرفان را ندارد، لیکن سبک ویژه ای دارد، زیرا قرآن کریم محکماتی و متشابهاتی دارد. محکمات، محور اصلی و امّ الکتاب نامیده شده و برای آشنایان به زبان و ادبیات عرب بسیار روشن است و نیازی به تفسیر و تأویل ندارد، ولی آیات متشابه هر چند از نظر مضمون روشن است، اما از نظر مصداق پیچیده اند؛ بنابر این به یاری آیات محکمات باید تفسیر و تبیین گردند. البته ارجاع متشابهات قرآن به محکمات مناسب آن، کار هر کسی نیست و تنها آشنایی با ادبیات عرب در این مورد کافی نمی باشد؛ بلکه باید انسان قرآن شناس باشد و روح کلی اسلام و قرآن را بشناسد تا بتواند از طریق آیات محکمات، آیات متشابه را روشن سازد. از این رو قرآن می فرماید: (و الراسخون فی العلم یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا؛ [۲۸] برای راسخان در علوم الهی، متشابهات و محکمات مساوی بوده و تمام آیات را فرود آمده از ناحیه ذات اقدس الهی مشاهده می کنند و بر آن اعتراف دارند.) و انگهی در این کتاب از یک سلسله معانی غیبی و نامحسوس سخن به میان آورده شده است؛ مانند: مفاتیح الغیب، لوح و قلم، عرش و کرسی، ملائکه و شیطان، اجنحه (بال و پر) و الفاظی چون: حیات، علم، اراده، سمع و بصر، رضا و غضب و نیز کلماتی نظیر: لدینا، عندنا، اردنا، لقائنا، و جاء ربک و الملک صفاً صفاً، وجوه یومئذ ناظره و ... این امور در آیاتی است که از معانی غیبی و ماورای ماده سخن می گوید و از متشابهات محسوب می شود، چون با الفاظ معمولی که مصداق مادی دارد، آورده شده که انسان را به شبهه می افکند و حال آن که مصداق آن مادی نیست، چرا که الفاظ برای معانی عامی وضع شده اند نه موضوعی خاص؛ از این رو (کرسی) هم به معنای علم وسیع آمده و هم صندلی و تخت معمولی، ولی ظهور این کلام در کرسی، یک برداشت معمولی است؛ بدین جهت از شیوه خاصی در تفسیر متشابهات باید بهره جست؛ یعنی به کمک محکمات، متشابهات را فهمید و تفسیر کرد.

## وجوه اعجاز قرآن

### اشاره

قرآن کریم از جهات گوناگونی معجزه است: الف) اعجاز لفظی یا طریقی؛ ب) اعجاز معنوی و علمی؛ ج) اعجاز غیبی. الف) اعجاز لفظی قرآن

### فصاحت و بلاغت

یکی از وجوه اعجاز قرآن، فصاحت و بلاغت است که جنبه ظاهری و لفظی قرآن می باشد. در اثبات این مدعا کتاب های زیادی نوشته شده است، لیکن در این مقال به اعترافات مخالفان و چند نکته ادبی بسنده می کنیم: ۱- به هنگام نزول قرآن، جامعه جزیره العرب از نظر شعر و نثر ادبی شاه کارهایی داشتند که در نمایشگاه های ادبی آن روز به مردم عرضه می کردند. معلقات هفتگانه امرؤ القیس که از بزرگ ترین شاه کارهای شعر آن روز محسوب می شد، در بازار عکاظ عرضه شده و به دیوار خانه خدا منصوب بود. پس از این که آیات قرآن نازل شد، همگی آثار خود را برداشتند و دریافتند که قرآن، شعر و نثر معمولی نیست، بلکه یک حقیقت جذاب و گیرایی است که عباراتی دل پذیر و پیروزمند دارد و با کلام بشری قابل قیاس نمی باشد. وقتی آیات قرآن را بر ولید بن مغیره مخرومی، متفکر معروف عرب، عرضه داشتند، چنین گفت: (و لقد سمعت من محمد (صلی الله علیه و آله) آنفاً کلاماً لا هُوَ من کلام الانس ولا هُوَ من کلام الجن و انه فيه لحلاوة و ان علیه لطلاوة و ان اغلاه لثمیر و ان اسفله لمغدق و انه لیغلوا و لا یعلی؛ [۲۹] از محمد سخنی شنیدم که نه از جنس سخن آدمیان است و نه از جنس کلام جنیان؛ کلامی همچون شکر شیرین، گویی عروسی است به زیور آراسته، بر شاخه بلندش میوه نشسته و شاخه های پائینش نیز از ثمر برخوردار است. از همه سخن ها برتر و

کلامی بالاتر از آن نیست.) زان جوهری که خون جگر خورده است قیمت پیرس لعل بدخشان راورنه جگر فروش چه می داند قدر و بهای گوهر رخشان را هر دو سوار لیک بسی فرق است از نی سوار فارس یک ران را هر دو کلام لیک بسی فرق است از سبعة معلّقه قرآن را اشعار جاهلیه بسوزانی گر بشنوی فصاحت قرآن را

### دین خاتم معجزه جاوید می طلبد

به دلیل این که رسول اکرم آخرین پیامبر خدا و آیین او مکمل تمام ادیان الهی است، لازم می نمود اعجازش جاودانی و فراتر از زمان و مکان و در عین حال معجزه ای ساده، عالم گیر و ماندگار باشد. بدیهی است که چنین اعجازی جز از سنخ کلام و مقوله سخن نمی تواند باشد. به قول حافظ: آن پیک نامور که رسید از دیار دوست آورد حرز جان ز خط مشکبار دوستخوش می دهد نشان جلال و جمال یار خوش می کند حکایت عزّ و وقار دوستهر چیزی که از مقوله کلام باشد ماندگار خواهد بود، خواه به صورت اعجاز باشد یا کلام معمولی. منتها سخن موزون و نثر مسجعی که از فصاحت و بلاغت تهی و یا ضعیف باشد، خواندنش ملال آور و خسته کننده است و اگر چنانچه از محتوای عالی نیز بی بهره باشد به کلی ساقط خواهد شد. اما کتابی مانند قرآن که از نظر شکل و محتوا معجزه است، هر چه خوانده شود بر طراوت و تازگی آن افزوده می گردد. به ویژه اگر انسان از ذوق ادبی و فهم معانی قرآن بهره مند باشد از تلاوت آن لذتی فوق العاده خواهد برد. یکی از اصحاب امام هشتم (علیه السلام) از ایشان پرسید: در قرآن چه رازی نهفته است که هر چه منتشر می شود و تلاوت می گردد، بر طراوت و حلاوت آن افزوده می شود؟ امام (علیه السلام) فرمود: (به این دلیل است که قرآن برای زمان مشخص و قوم معینی نازل نشده، بلکه برای همه مردم در تمام عصرها فرود آمده است. از این رو در هر زمانی تازه و برای هر قومی جاذبه دار است) [۳۰] و کسی از قرائت آن خسته و ملول نمی شود و این حالت، خود یک نوع معجزه محسوب می شود.

### ثبات قالب ها

در بُعد فصاحت و بلاغت، یکی از امتیازات قرآن، ثبات جمله بندی ها و مفردات کلمات آن است؛ بدین توضیح که هیچ شعر و نثر زیبایی در دنیا یافت نمی شود که با گذشت روزگار و یا در همان زمان با تجدید نظر به وسیله آفریننده اثر و یا شاعران و ادیبان زبردست، جمله یا مصراعی از آن به جمله یا مصرع بهتری قابل تبدیل نباشد. آقای ممانی در کتاب (مقام حافظ) بر این باور است که بیت های ذیل تبدیل به احسن شده است: ۱- وصل خورشید به شب پره اعما نرسد که در این آینه صاحب نظران حیراندمصرع اول تبدیل به احسن گردیده است: (وصف رخساره خورشید زخفاش می رس). ۲- بانگ گاوی چه صدا باز دهد عشوه فجر سامری کیست که دست از ید و بیضا ببرد مصرع اول به (سحر با معجزه پهلوی زنند دل خوشدار) تبدیل شده است. اما قرآن کریم دارای کلماتی آهنگین، جملاتی ثابت و غیر قابل تغییر است، به طوری که پس از پانزده قرن اگر یک کلمه و جمله ای از آن عوض شود، در نظام آیات اختلاف ایجاد می شود، آهنگ تغییر می کند، معنا مختل می گردد، از نظر نت موسیقی ضربه می خورد، زیرا این کتاب مجید مانند جهان هستی از نظام احسن برخوردار است و هر آیه و جمله ای در جای خود قرار گرفته و حامل یک پیام متصل است. جهان چون چشم و گوش و خال و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست

### ماجرای هماوردی در عصر امام صادق

در عصر امام صادق (علیه السلام) چهار تن از ملحدان و هواداران حکومت جور به نام های عبدالکریم بن عوجا، عبدالملک دیصانی شاکری، عبد الله بن مقفع و عبدالملک بصری که از بزرگان علم و ادب زمان خود محسوب می شدند، سالی در مسجد الحرام گرد

آمدند و در صدد چاره اندیشی برای کم رنگ کردن جذابیت حج و آمدن مردم به مکه و نفوذ روز افزون اسلام بر آمدند. پس از گفت گو و مشاوره تصمیم گرفتند به جنگ قرآن بروند و به تحدی آن پاسخ دهند. قرآن را به چهار قسمت تقسیم کردند و هر کدام بخشی را به عهده گرفتند تا طی یک سال آن را مطالعه کرده و اشکالات علمی و ادبی آن را گرفته و منتشر سازند و در صورت امکان، آیاتی به سبک و سیاق آن آورده و هموردی نمایند. با این عزم و تصمیم از هم جدا شدند تا سال آتی در موسم حج در همین مکان اجتماع کرده و هر کدام محصول کار خود را عرضه بدارند. ایام حج فرا رسید. در آن مکان تجمع کردند، ولی لحظاتی به یکدیگر نگاه کرده و سکوت بر جلسه حاکم شد. ابن ابی العوجا سکوت را شکست و گفت: من چیزی را از شما پنهان نمی کنم. هنگامی که به مطالعه بخش مربوط پرداختم، وقتی به این آیه رسیدم که می فرماید: (لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا؛ [۳۱] اگر خدایانی جز خدا در آسمان و زمین بود، بدون شک آن دو متلاشی می شدند)، مطالعه این آیه مرا به اعجاب واداشت و بلاغت آن مرا از مطالعه آیات دیگر باز داشت. عبدالملک دیصانی نیز عذرخواهی کرد و گفت: من هم در قرآن وقتی به این آیه رسیدم: (یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا ان الذين تدعون من دون الله لن يخلقوا ذباباً و لو اجتمعوا له و ان يسئلهم الذباب شئاً لا يستنقذوه منه ضعف الطالب و المطلوب؛ [۳۲] ای مردم مثلی آورده می شود، بشنوید (و ببینید) تحقیقاً کسانی که غیر خدا را می خوانند، هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند (تا چه رسد به خلق آیاتی مثل قرآن) اگر چه همگی برای ساختن آن اجتماع نمایند (بلکه) اگر آن مگس طعمه ای بر باید نمی تواند از دهان او بگیرند. طالب و مطلوب هر دو ضعیف اند)، دقت در مضمون و جملات ترکیبی این آیه در قالب این مثل عجیب، مرا مبهوت ساخت. عبدالملک بصری هم اظهار کرد که بلاغت آیه ای از سوره یوسف مرا مجذوب کرد؛ آن جا که می گوید: (فَلَمَّا اسْتِأْذَنُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا؛ [۳۳] هنگامی که برادران یوسف از باز گردانیدن بنیامین مأیوس شدند، با خود خلوت نمودند). این تعبیر در این قالب رسا و زیبا مرا از ادامه کار باز داشت. ابن مقفع نیز گفت: فصاحت و بلاغت آیه ای از سوره هود که در مقام بیان طوفان نوح است، چنان مرا پریشان ساخت که قدرت تفکر را از دست دادم: (قِيلَ يَا اَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَ يَا سَمَاءُ اقْلَعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ [۳۴] به زمین خطاب شد که آب را فرو خور و به آسمان گفته شد باران را قطع کند و آب در همان لحظه خشک شد و حکم قطعی الهی به پایان رسید. کشتی بر کوه جودی فرو نشست و گفته شد ستمکاران از رحمت خدا دور باشند). هنوز آن چهار تن متفرق نشده بودند که کشاف حقایق، امام صادق (علیه السلام) از راه رسید، فرمود: یابن ابی العوجا! (قل لئن اجتمعت الانس و الجن على أن يأتوا بمثل هذا القرآن لا يأتون بمثله و لو كان بعضهم لبعض ظهيراً؛ [۳۵] ای ابن ابی العوجا! بگو: اگر جن و انس با هم متحد شوند تا مانند قرآن بیاورند، نخواهند توانست. اگر چه بعضی حامی و پشتیبان دیگری باشند). شوکت قرآن گرفت جهان کران تا کران سطوت قرآن فکند لرزه به کوه گرانبز فصیحای جهان، بست زبان در دهان بر بلغا تنگ کرد جمله زمین و زمان

## ضرورت معرفت قرآن

شهید مطهری (ره) تحت عنوان (شناخت قرآن) مطالب ارزنده ای بیان کرده اند که در خاتمه بحث، آن را به صورت گذرا و فشره مطرح می کنیم. شناخت قرآن برای دانشمندان و مؤمنان ضروری است. برای یک انسان شناس و جامعه شناس بدین جهت ضرورت دارد که قرآن در تکوین سرنوشت بشر رول مهمی را بازی کرده است. مراجعه به تاریخ نشان می دهد که از حیث عملی هیچ کتابی به اندازه قرآن بر جوامع بشری تأثیر مثبت و سازنده نداشته است. بنابر این هر جامعه شناسی برای شناختن حداقل جوامع اسلامی، به شناخت قرآن نیازمند می باشد. اما لزوم شناخت قرآن برای مؤمنان واضح است، چرا که منبع اصلی دین و ایمان که به زندگی او حرارت و معنا و حرمت و روح می بخشد، قرآن است. قرآن مانند بعضی از کتاب های مذهبی یک سلسله رموز و معما نیست، بلکه مجموعه ای از عقاید، اخلاقیات، احکام، تاریخ پیامبران و سرگذشت پیشینیان است که همه آنها در راستای تعلیم و

تربیت قرار دارند. قرآن از نظامات اجتماعی و خانوادگی و حق و باطل سخن گفته است. امروزه محور معرفت برای مسلمانان، قرآن است. در ادامه، فیلسوف شهید به اصالت های سه گانه این کتاب می پردازد: ۱- اصالت انتساب؛ یعنی بدون تردید قرآن مجید عین همان کتابی است که بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نازل گردیده و به جهان بشری عرضه شده است. ۲- اصالت مطالب؛ به این معنا که معارف قرآن یک سلسله مطالب التقاطی و اقتباسی نمی باشد، بلکه تمام موضوعاتش ابتکاری و از منبع لا یزال وحی سرچشمه گرفته است. ۳- اصالت الهی بودن؛ یعنی قرآن زاده فکر رسول خدا و ساخته و پرداخته ایشان نمی باشد، بلکه از افق ماورای ذهن و طبیعت بر حضرت افاضه گردیده است. جالب آن که مفاهیم و الفاظ قرآن هر دو به وحی الهی فرود آمده است و حتی یک کلمه یا جمله ای از شخص پیامبر بر آن افزون نگردیده است، چرا که به حکم آیه: (وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ - لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ - ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ؛ [۳۶] اگر رسول اکرم کلماتی را بر ما می بست، با قدرت او را فرو می گرفتیم، سپس رگ دلش را پاره می کردیم).

### آیا قرآن شناختنی است؟

در تحلیل و شناخت محتوای قرآن یک پرسش مطرح است که آیا قرآن قابل شناخت است؟ آیا می توان در آیات قرآن اندیشید؟ آیا قرآن برای تلاوت و کسب ثواب و تبرک و تیمن است یا برای تفکر و عمل به مضامین آن؟ در میان عالمان اسلامی در چهار قرن پیش افرادی پیدا شدند که می گفتند: قرآن حجت نیست. آنان کسانی بودند که تمام منابع معرفت را زیر سؤال برده بودند. در باره عقل که یکی از کانون های معرفت است، می گفتند چون خطا می کند حجت نیست. اجماع و سنت را نیز معتبر نمی دانستند، اما در مورد قرآن می گفتند که قرآن بزرگ تر از آن است که اندیشه ما آن را بفهمد. فرقه اخباری ها تنها احادیث را حجت می دانستند. تفسیرهایی که نوشته اند بدین شکل است که اگر حدیثی در ذیل آیه ای رسیده بود نقل می کردند و گرنه آیه را حذف می کردند. اینان قرآن را بیشتر برای تلاوت و کسب ثواب اخروی قرائت می کردند و این نوع تلقی یک نوع جفا در حق قرآن بود. غیر از اخباری ها، اشاعره هم بر این باور بودند که شناخت قرآن به معنای تدبر و تفکر در قرآن نمی باشد. جامعه ای که کتاب آسمانی خویش را به این شکل طرد کند هرگز در مسیر قرآن حرکت نخواهد کرد. و حال آن که قرآن ظاهری دارد و باطنی، مغزی دارد و پوستی؛ کسانی که عقل را در فهم قرآن به تعطیلی کشانیده اند، کجا می توانند به عمق مفاهیم برسند. امکان دیدن خدا با چشم و آمدن خدا در صف ملائکه و استقرار حضرت حق روی کرسی و گفت و گوی خدا با زبان بشری، به ظاهر قرآن بسنده کردن است؛ در صورتی که قرآن می فرماید: (لیس کمثله شیء؛ [۳۷] خداوند مثل و مانندی ندارد). (و لم یکن له کفواً احد؛ [۳۸] برای خدا شبیه و نظیری وجود ندارد)؛ پس چگونه می توان با چشم سر او را مشاهده کرد، چرا که لازمه دیدن، جسمیت است. در برابر این گروه ها عده ای پیدا شدند که قرآن را وسیله رسیدن به اهداف و اغراض خود قرار دادند. اینان در هر زمینه ای که منافعشان اقتضا می کرد، به دلخواه به تفسیر و تأویل می پرداختند. قهرمانان این جریان تاریخی، اسماعیلیه و متصوفه هستند. اسماعیلیه شش امامی هستند. با این که خود را شیعه می نامند، ولی از اهل سنت به مراتب نسبت به شیعه اثنی عشری دورترند. اینان به دلیل باطن گرایی، خیانت های زیادی در تاریخ اسلام مرتکب شدند و نقش مهمی در انحراف مسائل اسلامی داشتند. متصوفه نیز با تحریف قرآن و تأویل آن، ضرباتی بر پیکر اسلام وارد ساختند؛ به عنوان نمونه داستان حضرت ابراهیم و پسرش اسماعیل را چنین تفسیر کرده اند که مقصود از ابراهیم، عقل و مقصود از اسماعیل، نفس است و عقل قصد داشت نفس را ذبح کند. [۳۹]. قرآن در برابر جمود اخباری ها می فرماید: (کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکروا أولوا الالباب؛ [۴۰] این کتابی است پر برکت که بر تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبر کرده و صاحبان خرد و اندیشه آگاهی پیدا کنند). کم نیستند متفکرانی که با تدبر در آیات قرآن مسلمان شده اند. قرآن مانند طبیعت است که همگی می توانند از آن بهره مند شوند، بلکه قرآن همچون دریاست که

هر غواصی می تواند جواهراتی از آن بیرون بکشد.

## پاورقی

- [۱] تاریخ تمدن، ترجمه پاینده، ج ۱۱، ص ۱۴.
- [۲] همان.
- [۳] همان، ج ۱۹، ص ۱۷۵.
- [۴] نگاهی به تاریخ جهان، ج ۱، ص ۶۶۷.
- [۵] زندگانی محمد، ترجمه الابطال، ص ۱۳.
- [۶] نهج البلاغه، خطبه ۸۹.
- [۷] نگاهی به تاریخ جهان، همان، ص ۲۰۷.
- [۸] همان، ص ۹۱.
- [۹] متأسفانه حدیث مجهول السندی تحت عنوان (رُوی) در سفینه نقل شده که مضمون آن این است: (من در زمان پادشاه عادل، متولد شدم). بعضی پادشاه عادل در این روایت مجهول را به انوشیروان نسبت داده اند؛ در حالی که انوشیروان کسی بود که جمع کثیری را به عنوان مُزدکی و اشتراک در نوامیس قتل عام نمود. ]
- [۱۰] اسراء (۱۷) آیه ۸۱.
- [۱۱] انبیاء (۲۱) آیه ۱۸.
- [۱۲] درسهای از مکتب اسلام، سال اول، شماره ۵، ص ۲۲.
- [۱۳] اسراء (۱۷) آیه ۹.
- [۱۴] محمد (۴۷) آیه ۲۴.
- [۱۵] شعراء (۲۶) آیات ۱۹۲ - ۱۹۵.
- [۱۶] نحل (۱۶) آیه ۸۹.
- [۱۷] بقره (۲) آیه ۱۹۴.
- [۱۸] علی شریعتی، پدر، مادر، ما متهمیم، ص ۹۰.
- [۱۹] انفال (۶) آیه ۶۰.
- [۲۰] نساء (۴) آیه ۸۹.
- [۲۱] علی شریعتی، همان، ص ۸۷ - ۸۸.
- [۲۲] شوری (۴۲) آیات ۳۸ - ۴۱.
- [۲۳] علی شریعتی، همان، ص ۸۹.
- [۲۴] همان، ص ۸۲.
- [۲۵] بقره (۲) آیه ۲۳.
- [۲۶] روزنامه رسالت، ۸/۱۲/۸۱.
- [۲۷] همان.
- [۲۸] آل عمران (۳) آیه ۷.

- 
- [۲۹] بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۶۷.
- [۳۰] همان، ج ۹۲، ص ۱۵.
- [۳۱] انبیاء (۲۱) آیه ۲۲.
- [۳۲] حج (۲۲) آیه ۷۳.
- [۳۳] یوسف (۱۲) آیه ۸۰.
- [۳۴] هود (۱۱) آیه ۴۴.
- [۳۵] اسراء (۱۷) آیه ۸۸.
- [۳۶] حاقه (۶۹) آیات ۴۴ - ۴۶.
- [۳۷] شوری (۴۲) آیه ۱۱.
- [۳۸] اخلاص (۱۱۲) آیه ۴.
- [۳۹] برداشت از: آشنایی با قرآن، ج ۱ و ۲، ص ۱۸ - ۲۸.
- [۴۰] ص (۳۸).